

دیدگاه‌های کارشناسان درباره:

تبعات منفی ادغام وزارت تعاون در وزارت بازرگانی

روزنامه کار و کارگر پیرامون اثرات ادغام وزارت تعاون در وزارت بازرگانی با دبیرکل و قائم‌مقام اتاق تعاون ایران و مدیران عامل اتحادیه‌های تعاونی امکان، مصرف کشور و فرهنگیان مصاحبه‌ای انجام داده است. نظر به تجربه طولانی مقامات مزبور در مسائل اجتماعی و ارتباط گسترده آنان با تعاونیها در بالاترین سطح تشکیلات غیردولتی، مطالب ابراز شده از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از هر جهت قابل ملاحظه دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور می‌باشد. در اینجا متن کامل مصاحبه را به نظر خوانندگان گرامی ماهنامه تعاون می‌رسانیم.

ژوژگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آقای سرحدی‌زاده دبیرکل اتاق تعاون ایران:

- سؤال اساسی این است که آیا برای کم کردن هزینه‌های دولتی باید وزارتخانه‌ای را که هدف آن خدمت به مستضعفین جامعه است منحل نمود آیا باید جایی که در آن سرمایه حاکمیت ندارد، بلکه انسان و نیروی انسانی است که حاکم مطلق است، حذف شود و یا در وزارتخانه دیگری ادغام گردد؟!

- هزینه‌های بسیاری از نظر وقت و سرمایه در جهت ایجاد چنین وزارتخانه‌ای صرف شده است، آیا ادغام یا حذف آن پس از سه سال فعالیت (که البته برای ارزیابی عملکرد آن بسیار زمان کمی است) به هدر دادن بیت‌المال نیست؟!

- به نظر من چون قانون اساسی بخش تعاون را در پیکره اقتصاد پیش‌بینی نموده لذا باید این بخش متولی داشته باشد و حذف وزارت تعاون حذف بخش تعاون در عرصه اقتصاد کشور قلمداد می‌گردد. حال با در نظر گرفتن تمام این موارد چگونه به بهانه کم کردن هزینه‌های دولت باید چنین طرحی ارائه شود که هدف آن چیزی جز حذف بخش تعاون نیست؟

آقای سرحدی‌زاده:

به نظر من در باب طرح ادغام وزارت تعاون و بازرگانی دو نظرگاه متفاوت مطرح است:

۱- دیدگاه خوشبینانه: که کم کردن هزینه‌های دولتی، کوچک کردن دولت و کاستن از مشکلات بوروکراسی را از اهداف اساسی این طرح می‌داند، مانند ادغام چندین دستگاه هم عرض که در این دوره مجلس صورت گرفت. اما سوال اساسی این است که آیا برای کم کردن هزینه‌های دولتی باید وزارتخانه‌ای را که هدف آن خدمت به مستضعفین جامعه است منحل نمود آیا باید جایی را که در آن سرمایه حاکمیت ندارد بلکه انسان و نیروی انسانی است که حاکم مطلق

است، حذف شود و یا در وزارتخانه دیگری ادغام گردد.

از سوی دیگر قانون اساسی سه بخش خصوصی، دولتی و تعاونی را اساس مالکیت در اقتصاد اسلامی تعیین می‌کند. آیا ارائه این طرح نقض قانون اساسی نیست؟

سوال دیگر اینکه هزینه‌های بسیاری از نظر وقت و سرمایه در جهت ایجاد چنین وزارتخانه‌ای صرف شده است. آیا ادغام آن یا حذف آن پس از سه سال فعالیت (که البته برای ارزیابی عملکرد آن بسیار زمان کمی است) به هدر دادن بیت‌المال نیست؟

به نظر من چون قانون اساسی بخش تعاون را در پیکره اقتصاد، پیش‌بینی نموده لذا باید این بخش متولی داشته باشد و حذف وزارت تعاون حذف بخش تعاون در عرصه اقتصاد کشور قلمداد می‌گردد حال با در نظر گرفتن تمام این موارد چگونه به بهانه کم کردن هزینه‌های دولت باید چنین طرحی ارائه شود که هدف آن چیزی جز حذف بخش تعاون نیست؟

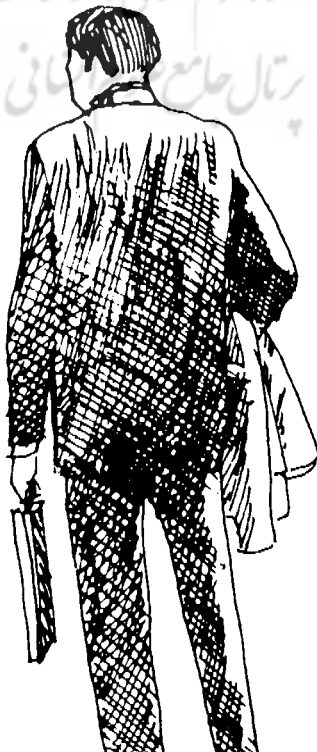
لذا به نظر من عنصر محاسبه در ارائه طرح ادغام این وزارتخانه مدنظر نبوده و به عبارتی کار کارشناسانه روی این طرح صورت نگرفته است. حتی این سوال نیز مطرح است که چرا ادغام در وزارت بازرگانی؟!

وجوه تشابه وزارت بازرگانی و تعاون چیست؟ از این نقطه معلوم می‌شود که مطالعه دقیقی در ارائه این طرح صورت نگرفته است. ۲- به نظر من اگر دقیقتر به مسئله نگاه کنیم به دیدگاه بدبینانه‌ای می‌رسیم و آن این که تفکر حاکم بر نظام اقتصادی کشور ایجاد و بسط نظام اقتصاد بازار است و از این دیدگاه اگر اقتصادی باید وجود داشته باشد، همان اقتصاد بازار و فعالیت گسترده بخش خصوصی است. این باور از مدتها قبل بوجود آمده و تقویت شده است از همان روزی که نطفه وزارت تعاون در حال شکل‌گیری بود، به نوعی به این مسئله دامن زده می‌شد. آقایان وجود چنین وزارتخانه‌ای را مسخره می‌گرفتند

و حتی بعضاً تهدید می‌کردند که ما نمی‌گذاریم چنین وزارتخانه‌ای بوجود آید. این دیدگاه از اول انقلاب تاکنون خواسته است به صورت تحمیلی عمل کرده و نگذارد بخشهای عمومی‌تر جامعه در انقلاب حضور داشته باشد.

بلکه هدف اصلی سلطه همه جانبه سرمایه و سرمایه‌دارانی می‌باشد که البته از اهرمهای سیاسی نیز بی‌بهره نیستند. اینها همه چیز را برای خودشان می‌خواهند و معتقدند که ساختار اقتصاد این کشور هرگونه که باشد باید منافع ما تامین شود. ما دست‌اندازی اینها را در سیاست و اقتصاد دیده‌ایم، همواره تحمل دیگران در تمامی عرصه‌ها برای آنان مشکل بوده است. و حالا در قالبی دیگر و با طرحی دیگر به میدان آمده‌اند و با بهانه کم کردن هزینه‌ها می‌خواهند که به اهداف دیگری دست یابند که همان بازگذارن دست سرمایه‌داران بزرگ، تمرکز سرمایه در کانونهایی که بتواند این انقلاب را به راهی دیگر هدایت کند!

ولی باید این نکته را آقایان در نظر بگیرند که اینگونه عمل کردن یعنی حذف مردم و اگر مردم را از انقلاب بگیریم دیگر انقلابی باقی نمی‌ماند. چرا که همین مستضعفان و پابره‌ها هستند که با سرمایه‌های اندک خود انقلاب را حمایت و هدایت می‌کنند اینها اگر کنار



گذاشته شوند آیا سرمایه‌داران بزرگ از انقلاب دفاع می‌کنند؟

این نگاه بدبینانه به مسئله است و فکر می‌کنیم که حذف بخش تعاون یعنی حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داری در اقتصاد کشور که البته به نفع این انقلاب نیست.

این روند به ادغام در سرمایه‌داری جهانی منتهی می‌شود که البته آقایان خیلی در این مسئله شتاب به خرج می‌دهند و می‌خواهند که مورد تقدیر هم قرار گیرند! اینها فقط مصالح خود را می‌بینند و انقلاب برایشان مفهومی ندارد.

در هر صورت احساس بنده این است که طرح ادغام مقدمه‌ای است برای حذف کردن بخش تعاون، چرا که در دوران فعالیت وزارت تعاون، تعاونی‌ها از سوی کانونهای تصمیم‌گیری مورد بی‌مهریهای زیادی قرار گرفته‌اند.

آقای گلکار مدیر عامل تعاونی مصرف کارمندان

به نظر من، هدف طرح ادغام وزارت تعاون و بازرگانی چیز دیگری است. و به نظر می‌رسد هدف حذف بخش تعاون و به عبارتی خط سیاسی در این طرح حاکم است.

خوب بود پیشنهاد دهندگان این طرح نیز در این میزگرد حضور داشتند و نظرات خود را مطرح می‌کردند که آیا آنها اطلاعی از تعاون دارند؟

آیا پیشنهاد دهندگان این طرح با مردم صحبت کرده‌اند و توانایی‌های این بخش را ارزیابی کرده‌اند؟

به نظر من تصویب این طرح برای مجلس چهارم افتخاری نیست.

مطلب دیگری که در این رابطه باز مطرح است این است که چرا باید این وزارتخانه در وزارت بازرگانی ادغام شود؟

طی سالهای گذشته، بیش از ۹۲ درصد از اقلام سوپرسیدی از طریق شبکه تعاونی توزیع شده است و این خود بیانگر توان بالای تعاونی در شبکه توزیع است و به نظر من باید به جای

آقای گلکار مدیرعامل تعاونی مصرف کارمندان:

- طی سالهای گذشته، بیش از ۹۲ درصد از اقلام سوبسیدی از طریق شبکه تعاونی توزیع شده است و این خود بیانگر توان بالای تعاونیها در شبکه توزیع است.

- تعاونیها نسبت به این طرح (طرح ادغام) نظر مثبت ندارند و ما امیدوار هستیم که در مورد این طرح یک کار کارشناسی صورت گیرد و پیشنهاد دهندگان این طرح عواقب آن را مدنظر قرار دهند.

آیا عملاً، این به معنای خلع سلاح بخش تعاون نیست؟
جای سوال این است که در کشوری که به حق، قانونگذاران آن خواسته‌اند جایگاه بخش مردمی را تقویت کرده باشند درست است که یک ابزار کاری که بسیار کارا است، منحل شود.

بنابراین امیدواریم که پیشنهاد دهندگان این طرح، معایب و محاسن آن را بررسی کنند. ولی تا جایی که ما دست‌اندرکار تعاونی بوده‌ایم اگر این کار انجام شود به معنای حذف تدریجی بخش تعاون است.

کبیری قائم مقام اتاق تعاون مرکزی:
من فکر می‌کنم، در دو بخش پیرامون طرح ادغام بحث کنیم. یکی اهداف سیاسی این طرح است که من در مورد آن بحث نمی‌کنم.

به نظر من هر طرحی باید یک توجیه منطقی داشته باشد و اهداف طراحانه در آن مشخص باشد.

در طرح مشخص نشده است که چه مشکلاتی را وزارت تعاون بدنبال داشته است قطعاً پس از سه سال از تشکیل وزارت تعاون زمان کافی برای ارزیابی عملکرد آن نیست. منظور من این است که این طرح مشخص نکرده به چه دلیل باید این کار صورت گیرد.

مطلب دوم این است که تقسیم‌بندی وظایف در همه دنیا مرسوم است و در ایران نیز مرسوم است که برای هر قانونی یک متولی

عبارتی نماینده این افراد در مراجع تصمیم‌گیری حضور داشته باشد.

این امر از طریق وزارت تعاون میسر است. ما از ابتدای تاسیس وزارت تعاون شاهد جدایی تعاونی‌های روستایی از آن یا تعاونی فرش دست‌بافت از آن بوده‌ایم. یعنی عملاً، به جای اینکه وزارتخانه‌ای را که مردمی است، تقویت کنند و حاکمیت سرمایه جای خود را به حاکمیت رای و کار بدهد، ما شاهد مثله کردن آن هستیم.

اگر واقعاً به این نتیجه رسیدیم که باید چنین وزارتخانه‌ای باشد، باید در جهت تقویت آن گام برمی‌داشتیم. متأسفانه بخش تعاون و نماینده‌اش در هیات دولت مظلوم واقع شد و ابزار کار از آن گرفته شده است.

وزارت تعاون با بودجه اندک به فرض اینکه منحل هم شد، شما آن را در هر وزارتخانه‌ای هم ادغام کنید، باید این بودجه را هزینه کنید.

موضوع دیگر این است که اگر وزارتخانه‌ای را که نقش نظارتی و هماهنگی دارد، منحل کردیم، کدامیک از وزارتخانه‌ها می‌توانند این رسالت را انجام دهند؟

آقای عظیم‌زاده مدیرعامل تعاونی فرهنگیان:

- بیش از نیمی از جمعیت کشور وابسته به تعاونیهای مختلف هستند و طبعاً این تعاونیها نیاز به یک تشکیلات برای سازماندهی دارند تا بتوانند نظرات آنان را به صورت ستادی در تصمیم‌گیری کلان جامعه ارائه دهد و به عبارتی نماینده این افراد در مراجع تصمیم‌گیری حضور داشته باشد. این امر از طریق وزارت تعاون میسر است.

- ما از ابتدای تاسیس وزارت تعاون شاهد جدایی تعاونیهای روستایی و تعاونی فرش دستباف از آن بوده‌ایم. یعنی عملاً به جای اینکه وزارتخانه‌ای را که مردمی است تقویت کنند و حاکمیت سرمایه جای خود را به حاکمیت رای و کار بدهد، ما شاهد مثله کردن آن هستیم.

این طرح، عملکرد وزارت بازرگانی را ارزیابی می‌کردند و سپس این طرح را ارائه می‌کردند.

آمار و ارقام بیانگر فعالیت چشمگیر تعاونی در توزیع کالا بوده است و این را طی سالهای گذشته به اثبات رسانده‌اند.

تعاونی‌ها نسبت به این طرح نظر مثبت ندارند و ما امیدوار هستیم که در مورد این طرح یک کار کارشناسی صورت گیرد و پیشنهاد دهندگان این طرح عواقب این طرح را مدنظر قرار دهند.

آقای عظیم‌زاده مدیرعامل تعاونی فرهنگیان:

ما این بحث را از دیدگاه کارشناسی بررسی می‌نماییم.

از نظر شکل مسئله، در قانون اساسی، بخش تعاون، خصوصی و دولتی در جایگاه معینی قرار دارند و به عبارتی بخش خصوصی را مکمل دو بخش دیگر تلقی کرده‌اند.

بر مبنای همین دیدگاه بخش تعاون پس از انقلاب، به همت شهید مظلوم دکتر بهشتی و دیگر دلسوزان انقلاب، نسبت به قبل از انقلاب توسعه زیادی پیدا کرد.

دیدگاه اصلی این بود که عدالت اجتماعی و حاکمیت مردم بر مردم در بخش اقتصاد هم، از طریق این شیوه اقتصادی تحقق می‌یابد. اگر به صورت آماری به این قضیه نگاه کنیم، بیش از نیمی از جمعیت کشور وابسته به تعاونی‌های مختلف هستند و طبعاً این تعاونی‌ها نیاز به یک تشکیلات برای سازماندهی دارند تا بتوانند نظرات آنان را به صورت ستادی در تصمیم‌گیری کلان جامعه ارائه دهند و به

آقای کبیری قائم مقام اتاق تعاون؛

براساس آمارهای موجود از مجموع تعاونیهای کشور، دو سوم آنها تعاونیهای غیر توزیعی بوده و در انواع حرف تولیدی، خدماتی و فرهنگی مشغول به فعالیت هستند. برخی از آنها کاملاً موفق بوده و برخی نیز در ابتدای کار هستند و باید منتظر ماند و نتایج کار آنها را دید. علیرغم نگرانیهای موجود در بخش توزیع تعاون دچار مشکلات زیادی نمی باشد چرا که وزارت بازرگانی متصدی امر توزیع است بخشی که در این فرآیند دچار مشکل خواهد شد تعاونیهای تولیدی ما هستند.

- قانون تعاون بالاخره یک متولی و متصدی می خواهد، بدون دستگاه اجرایی، قانون اجرا نخواهد شد.

- برای اداره تعاونیها یک دستگاه اجرایی پیش بینی شد که رابط دولت با این بخش باشد، الان نمایندگان محترم مجلس دهها میلیارد تومان در قالب تبصره سه برای تعاونیها اعتبار در نظر گرفته اند، اگر چنین طرحی تصویب شود، مگر وزارت بازرگانی می تواند با وجود این همه مشکل به کار هزاران تعاونی رسیدگی کند و به آنها امکانات و سرویس دهد، اصلاً امکان عملی وجود ندارد.

و متصدی پیش بینی می کنند، مثلاً قانون کاری را مجلس تصویب کرد و شورای نگهبان هم آنرا تایید کرد، حال برای اینکه این قانون یک ناظر و مجری داشته باشد و از حقوقی که قانون گذار برای قشر کارگر قائل شده، یک تشکیلاتی بتواند آن حقوق را استیفاء کند، وزارت کار را قانون گذار از قبل پیش بینی کرده و این وزارتخانه متصدی و متولی این قانون می باشد.

در اصل، وجود قانون کار بدون وجود وزارت کار قابل اجراء نیست، یعنی تا زمانی که یک دستگاه اجرایی نباشد که بر وظایف شوراهای اسلامی کار نظارت داشته باشد و در برخورد با کارفرمایان از حقوق کارگر دفاع کند و...

یا قانون تامین اجتماعی که بدون وجود سازمان تامین اجتماعی متصور نیست و ارزش نخواهد داشت. قانون نباید فقط بر روی کاغذ بیاید. باید اجراء شود و آثار وجودی خود را نشان دهد.

پیش از انقلاب نیز امور مربوط به تعاون وجود داشته است. در واقع تعاون روحیه ای است که مردم ما قرنها با این خلق و خو کار کرده اند و اسلام هم تاکید زیادی روی آن

عرضه تولید شدند. تولید در بخش کشاورزی، فرهنگی و...

پیش از انقلاب تعاونیها را فقط تعاونی مصرف می دیدیم. نقش مثبتی هم در امر توزیع ایفاء می کردند و شاخص قیمت های توزیع بخش تعاونی نیز پایین تر از قیمت های بخش خصوصی بود، اما اکنون این گونه نیست. براساس آمارهای موجود از مجموع تعاونیهای کشور، دو سوم آنها تعاونیهای غیر توزیعی هستند و در انواع حرف تولیدی، خدماتی و فرهنگی مشغول به فعالیت هستند. برخی از آنها کاملاً موفق بوده و برخی نیز در ابتدای کار هستند و باید منتظر ماند و نتایج کار آنها را دید. علیرغم نگرانیهای موجود در بخش توزیع تعاون دچار مشکلات زیادی نمی باشد. چرا که وزارت بازرگانی متصدی امر توزیع است. بخشی که در این فرآیند دچار مشکل خواهد شد، تعاونیهای تولیدی ما هستند. فردای روزگار تعاونیهای کشاورزی و صنعتی ما چگونه خواهند توانست که مشکلات خود را حل کنند، چرا که وزارت



بازرگانی ما ساختارش برای کار تولیدی ساخته نشده است. این وزارتخانه فکرش این است که اقلام مورد نیاز مردم را از داخل یا خارج تامین کرده و در اختیار مردم بگذارد.

فردا تعاونیهای تولیدی ما چگونه خواهند توانست در وزارتخانه جدیدالتاسیس مشکلات خود را حل کنند، به چه کسانی باید مراجعه کنند، حال فرض بگیریم که این وزارتخانه (تعاون) هم باقی می ماند و در قالب یک معاونت هم ساختارش حفظ می شود و کنار را هم انجام می دهد و فقط یک تغییر اسم را شاهد خواهیم بود. اگر قرار این گونه باشد، معاونت تعاون در وزارتخانه جدیدالتاسیس همین کار را انجام دهد، چه لزومی دارد که ادغام صورت بگیرد، تعاون یک سری کارهایی را انجام داده و به تدریج روی غلنتک می افتد و باید کار خودش را انجام دهد. باید مجلس محترم در این زمینه عنایت داشته باشد، زمانی که از تعاونیها بحث بعمل می آید، خیل بسیار وسیع و متنوعی را دربر می گیرد. ما با تصویب احتمالی چنین طرحی، شاید برای تعاونیهای توزیعی استدلال داشته باشیم که تعاونیهای فرهنگی ما، کارمندان دولت ما، تعاونیهای مصرف و محلی ما جنس می خواهند و وزارت بازرگانی مستقیماً در اختیار آنها می گذارد، اما قسمتهای دیگر حتماً دچار مشکل خواهند شد. هر چند که این جابجایی دستگاهها خود نیز مشکل زاست. یعنی باید سازمان جدید یا ارتباطاتی دیگر برقرار گردد که این امر هم خود و هم تعاونیهای توزیع را دچار مشکل می کند، ولی نه به شدت مشکلات ایجاد شده برای تعاونیهای تولیدی.

قانون تعاون بالاخره یک متصدی می خواهد، بدون دستگاه اجرایی قانون اجرا نخواهد شد.

در مجلس سوم قبل از بحث وزارت، یک شورایی پیش بینی شده بود، شورا را عملاً هم شورای نگهبان اشکال گرفت و هم خود مجلس، گفتند که ما قانون را می خواهیم به عهده شوراها بگذاریم که هر کدام از یک

دستگاه دیگر است و هر که گرفتار کار خودش.

به خاطر عملی نبودن آن نظام شورایی برای اداره تعاونیها یک دستگاه اجرایی پیش بینی شد که رابط دولت باشد با این بخش. الان نمایندگان مجلس دهها میلیارد تومان در قالب تبصره سه برای تعاونیها گذاشته اند، اگر چنین طرحی تصویب شود، مگر وزارت بازرگانی می تواند با وجود این همه مشکل به کار هزاران تعاونی رسیدگی کند به آنها امکانات و سرویس دهد. اصلاً امکان عملی وجود ندارد.

یک مطلب دیگر، هم است. ما فکر می کنیم که اگر مجلس همین الان هم روی این ترکیب فعلی تعاونیها، مطالعه جدی تری نماید، دو مشکل کلی در کشور وجود دارد، تولید واقعاً نسبت به نیاز مردم کم است. باید توجه کنیم که فکر می کنیم که تعاونیها در این قسمت اگر مورد توجه بیشتری قرار گیرند، حرف جدی برای گفتن خواهند داشت. در بخش توزیع هم به جای وارد کردن، و ایجاد شبکه های موازی، بهتر بود که شبکه های فعلی اصلاح و تقویت گردند. ما مدعی هستیم که شبکه های موجود ایده آل هستند، قطعاً برای خود نقایص و ضعفهایی دارند، ولی از نظر اصولی بهتر است که بیاییم نقایص فعلی را

- آقای ربیعی مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر:

من فکر می کنم بعضی ها نیت دیگری از ارائه این طرح دارند چرا که بخش تعاون را مانعی برای اجرای برنامه های اقتصادی خود می دانند.

- در این شرایط اقتصادی خود دولت نیز به تقویت بخش تعاون معتقد است.

- آیا به این نتیجه نرسیدیم که بخش خصوصی نه تنها باری را از دوش جامعه بر نمی دارد بلکه مشکلات را افزایش می دهد؟

- تجربه سه چهار ماهه اخیر خیلی خوب به ما نشان داده که برای واسطه ها حتی نابودی دولت و نظام هم مهم نیست. این بخش فقط می خواهد پول خودش را حفظ کند و منافع ملی برای آن اهمیتی ندارد.

- یک سؤال دیگر نیز مطرح است و اینکه قانون اساسی که میثاق ملی، منشور وحدت و یادگار بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره) ما است، ما چگونه وفاداری (خود را) به این قانون ابراز می کنیم؟! آیا وظیفه نداریم به عنوان افراد انقلابی به این میثاق وفادار باشیم؟!

اصلاح کنیم تا اینکه بیایم این شبکه عریض و طویل را با اعضای میلیونی آنها چین و چنان کنیم.

اگر می بینیم که تعاونیهای مصرف ما در ارائه خدمات توان کافی ندارند. بیایم و مشکلات همین ها را برطرف کنیم اصلاح شبکه های موجود تعاونی، خیلی با صرفه تر، سریع الوصول تر و منطقی تر است تا اینکه بیایم در کنار اینها شبکه های موازی ایجاد کنیم. انشاء... که خود دولت محترم به این مساله توجه دارد.

برای خود دستگاه اجرایی نیز باید زمانی را قابل شویم. اگر دستگاه اجرایی هنوز خود را باز نیافته، یک دفعه دچار تغییر و تحول شود، فقط انرژی و پول و امکانات بیت المال را هدر داده ایم. باید به آنها فرصت داد، اگر واقعاً در عمل دیدیم که وزارت تعاون کار آبی ندارد. باید کار کارشناسی صورت بگیرد، و نمی توان تمام بخش های تعاونی را به یک قیمت واگذار کرد.

ربیعی مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر:

به نظر می رسد پیشنهاد دهندگان طرح ادغام از دو جنبه به این موضوع نگاه کرده اند. باید دیدگاه نمایندگان را در این زمینه

تفکیک کرد و برای هر کدام نیز ما سوالات و نقطه نظرانی داریم.

یک دسته از نمایندگان که اکثراً هم همین معناراً دنبال می‌کنند، و آن برنامه خود دولت و مجلس در مورد اصلاح ساختار اداری است که حرف صحیحی نیز است.

ما نیز از این نظر دفاع می‌کنیم و معتقد هستیم که بورکراسی ما ناکاراست. و کم کردن نیروهای ناکارا و حقوق بگیر و متصل به دولت کار پسندیده‌ای است.

ولی سوال این است که حذف وزارت تعاون چقدر بر اصلاح این وضع تاثیر دارد؟ و با توجه به اینکه دستگاههای دیگری با سابقه بیشتری وجود دارد چرا ابتدا از آنها شروع نشود و قرعه به نام تعاونی که چیزی از حیاتش نگذشته درآمده است.

من فکر می‌کنم بعضی‌ها نیت دیگری از ارائه این طرح دارند چرا که بخش تعاون را مانعی برای اجرای برنامه‌های اقتصادی خود می‌دانند.

به هر حال باید تبعات حذف وزارت تعاون را ارزیابی کرد و سپس دست به چنین اقدامی زد.

در این شرایط از کشور، خود دولت نیز به تقویت بخش تعاون معتقد است. امیدواریم در جلسات آتی بیشتر در مورد این موضوع بررسی شود و آن این است که اگر بنا بر خصوصی سازی است و بخش تعاون را مزاحم می‌بینیم باید چند سوال را پاسخ دهیم.

آیا از روند خصوصی سازی در چند سال گذشته درس نگرفتیم؟

آیا به این نتیجه نرسیدیم که بخش خصوصی بی‌هویت نه تنها باری را از دوش بر نمی‌دارد بلکه، مشکلات را افزایش می‌دهد؟ آیا واقعاً خصوصی سازی مردمی مدنظر ما است؟

اگر خصوصی سازی به آن معنا که می‌گوییم بخشی از توسعه است این است که مردم را در امور مشارکت دهیم. اگر به این معنا



به توسعه می‌نگریم آیا با حذف بخش تعاون به این خصوصی سازی می‌رسیم. یا نوع دیگر آن.

با حذف بخش تعاون قطعاً خصوصی سازی نوع دوم را که تجربه خوبی هم از آن نداریم بدست خواهیم آورد. اگر هدف خصوصی سازی است، باید مردم و سرمایه‌های آن را به میدان کار کشید و بخش تعاون می‌تواند در این زمینه بسیار موثر واقع شود.

ادغام وزارت تعاون در وزارت بازرگانی یعنی حذف کامل بخش تعاون.

من معتقدم اگر ما در بخش توزیع و تولید، نخواهیم بخش تعاون را به کار بگیریم در چند سال آینده به شکل خیلی بدتر شاهد رشد طبقه بی‌هویی هستیم که فقط به فکر منافع خودش می‌باشد.

تجربه سه چهار ماهه اخیر خیلی خوب به ما نشان داده که برای واسطه‌ها حتی نابودی دولت و نظام هم مهم نیست. این بخش فقط می‌خواهد پول خودش را حفظ کند. و منافع ملی برای آن اهمیتی ندارد.

آیا این بخش سرمایه‌های خود را در جهت سیاستهای دولت و کشور سوق داد؟ مطمئناً اگر ما نخواهیم بخش تعاون را تقویت کنیم حداقل در بخش توزیع مشکلات عدیده‌ای را خواهیم داشت.

به هر حال وفاداری بخش تعاون و ملی فکر کردن آنها بر کسی پوشیده نیست.

ما با کدام تحلیل اقتصادی قوی معتقدیم که اگر این بخش را حذف کنیم چه کسانی جایگزین خواهند شد.

یک سوال دیگر نیز مطرح است و اینکه، قانون اساسی که میثاق ملی، منشور وحدت و یادگار بزرگانی چون امام(ره) ما است، چه وفاداری نسبت به این قانون احساس می‌کنیم، آیا وظیفه نداریم به عنوان افراد انقلابی به این میثاق وفادار باشیم.

متأسفانه وقتی می‌بینیم در نازلترین جایگاه بخش تعاون را مدنظر قرار داده‌ایم، امروزه به بهانه حرف صحیح اصلاح ساختار اداری، آن را می‌خواهیم از بین ببریم.

به هر حال این طرح را باید از لحاظ سیاسی، اجتماعی و جایگزینی آن مورد بررسی قرار دهیم.

آیا در زمانی که خود دولت بخواهد وارد سیستم توزیع شود چه ابزاری خواهیم داشت.

آیا با حذف وزارت تعاون، بوروکراسی وزارت بازرگانی تحمل چنین کاری را دارد.

به هر حال امیدواریم با حضور صاحب نظران و پیشنهاد دهندگان طرح، در مورد آن بیشتر بحث شود.